

# مسائل روانی و مشاوره

جامعه حال حاضر، جامعه ای است پر تنش و نیز مسبوق به تنش هایی روحی و اجتماعی.

دراثر غیبت امام عصر(عج) و به تبع آن، جنگ ها و تحریم ها و حذف فیزیکی بسیاری از مدیران اجرایی و نخبگان به وسیله ترور و تهاجم فرهنگی و حاکمیت محیط مجازی، موجب به وجود آمدن دغدغه ها و مشکلات روحی شده و رسوب این رخدادها منجر به شکل یافتن نزدیک به ۱۴ میلیون پرونده ی قضایی شده است، یا از نگاه دیگر، جامعه ای هست که اولویت ها و ارزش ها تغییر کرده و به عنوان مثال، جراحی زیبایی جزو مطالبات بحق دختر خانواده محسوب می شود، و معضل خود زشت انگاری اعتماد به نفس افراد را متزلزل می نماید، در حالی که باید خود را آنچه هست قبول داشته باشد، آری جامعه ایست که نظام ارزشی تغییر کرده و کشوریست که ۱۴۵ شبکه خاص به ظاهر دلسوز برایش سبک زندگی تولید می کند.

با این مقدمه کوتاه، قصد، ورود در حوزه روانشناسی و مشاوره و افزایش دادن دقت مخاطبین در این حوزه است، شاید در این مطلب کوتاه نقدی بر برخی روانشناسی ها نیز دیده شود که البته مخاطب این نقدها، روانشناسان تجارت محوری است که هیچ دردی را از مریض، درمان نکرده و علاوه بر آن عوارض جانبی درمان غلط آنها، در کنار بحرانه ای فوق الذکر، آسیب های جدی به بدنه ی خانواده و اجتماع وارد می سازد.

مسأله روانشناسی و مشاوره امری است بسیار مهم و دقیق و ظریف و حیاتی که در هر مقطع از زندگی رجوع به افراد متخصص در این زمینه، باعث کاهش درصد مشکلات روحی و روانی افراد و خانواده ها بوده و ازم تلاشی شدن این جامعه کوچک اما حساس، جلوگیری می گردد. متأسفانه آنچه در تمام حوزه ها و نیز در این حوزه بر مشکلات موجود می افزاید، **موضوع مدرک گرایی** و فساد ایجاد شده در این حوزه، یعنی پایان نامه فروشی و مدرک فروشی است که از فساد مالی بالاتر و مشکلاتش جدی تر است.

پس **اولین نکته** اینکه، با توجه به اهمیت علم روانشناسی، کسانی که نیاز به مراجعه به این صنف پیدا می نمایند باید توجه داشته باشند که دغدغه ها و مسائل و به زبان رایج **"سفره ی دل"** را نبایست پیش هر کس باز نمود، چراکه ادعای هر صاحب ادعایی، در تصدیق بر متخصص و متعهد بودن آن شخم کفایت نمی کند، لذا انسان عاقل بین مدعیان

جستجو کرده و بهترین را برای این امر مهم انتخاب کرده و نسخه های او را به سمت زندگی عزیمت می دهد. پس اینکه به سمت چه کسانی برای مشاوره و بازگویی اسرار باید رفت، و آیا این روانشناس نگاه تجاری دارد یا نه، نکته ای است که باید دقت داده شده و بر رویش تامل شود.

**نکته دوم** اینکه: یک روانشناس متخصص متعهد در جامعه دینی ما کسی است که معتقد باشد این انسان متعلق به جامعه دینی است و داروی مناسب و متوازن با شرایط اقلیمی و روح اسلامی او تجویز کند و تمام مشاورات باید در شأنیت یافتن دین اسلام باشد، تا با بحران های بعد از درمان مواجه نگردد.

مشاوره و روانشناسی مسأله ای جدیست که از زیر بنا باید در تربیت و دین محور نمودن راهکارهای آنها اقدامات لازم صورت پذیرد وگرنه یک شبه نمی توان سبک و سیاق دینی ارائه داد و در مطالبات و مراجعات، برونداد مثبت دید. روانشناسی با خدا و روانشناسی بی خدا قطعاً نتایج مختلف به بار خواهد آورد. غرب و تهاجم فرهنگی اصالت را در کار و محوریت فرد می پندارند، اما روانشناسی اسلامی و باخدا با محوریت قرار دادن خانواده به موفقیت دست می یابد و از این نکته نیز نباید غافل شد که **روانشناس دیندار با روانشناس دیندان** متفاوت است و آنچه جامعه اسلامی می طلبد روانشناس دیندار است چراکه جفای مضاعف به دین با ارائه الگوهای غلط و راهکارهای غیر دینی اما با نام دین بیشتر توسط دیندان ها اتفاق می افتد.

کوتاه سخن آنکه یک روانشناس موفق و مشاور کارآمد، ضمن داشتن تخصص لازم و اینکه توانسته در درجه اول برای خانواده و حلقه اول آن مرجعیت اخلاقی به دست بیاورد، می باید مطالعات و تحقیقات و دریافت هایش به مفاهیم دینی اش بیفزاید و پشتوانه سخن و راهکارهایش سخنان ائمه که نشأت گرفته از علم الهی است، باشد.

**یک روانشناس مورد تایید اسلام کسی است که در کنار مطالعات و گذراندن ترمهای مختلف دروس فرادینی، از مسیر علوم اسلامی که به عنوان علمی که در روان انسان تاثیر دارد، عبور بنماید؛** وگرنه دیدگاه های روانشناسان خارجی و تئورسینهای غربی و تراوشات ذهنی خروجی های آکادمی های غربی برای فرد مسلمان مناسب نیست زیرا این اسلام است که با تمدن خود به آنها سبک زندگی آموخته، لذا افکار آنها و قال الفرویدها و قرائت قاریان غیر دینی برای انسان اسلامی فایده ندارد و نمی تواند برای مسلمانان در ایجاد و شکل دهی زندگی مطلوب و آسیب زدائی آن مفید واقع گردد. و نا گفته نماند که **"حکمت"** لازمه مشاوره ی خوب و روانشناسی متعهدانه است که بر اساس

آن جنگ روانی را بخواباند و امر و معضل موجود را به اصلاح درآورد نه مثل یک قاضی با قضاوت خود یک طرف را محکوم و طرف دیگر را تبرئه نماید. معرکه و حوزه روانشناسی و آنان که در کسوت مشاوره قرار می‌گیرند باید به این نکته توجه ویژه ای مبذول دارند.

**نکته دیگر** در مورد تست های روانشناسی است که باید گفت این تستها باید متناسب با روحیات مراجعه کنندگان باشد و به هیچ عنوان آزمون خطا در این تست ها جایگاهی ندارد، فهم اهمیت ها و ارزش های مراجعه کننده مخصوصاً اگر زوج باشند، بسیار مهم می باشد و گرنه از کسی که به عنوان مثال "آب" یا "همسایه" برایش اهمیت ندارد، گرفتن تست الویت با این عناوین، قطعاً جواب نخواهد داد. با یک سنجش درست است که می توان دریافت که این درد در اثر تغییر یافتن ارزشهای دینی است یا از جانب دیگر، چرا که این انسان تلاشگر، در تلاش خود باقیست اما جهت این تلاش است که تغییر یافته، و کار شیطان هم جز تغییر ارزش ها و هدف ها چیز دیگر نیست. لذا چنین بیان می دارند که بهترین گزینه های تست و اصول نسخه پیچی روانشناسی، بایست بر اساس **فطرت پاک انسان** باشد چرا که چنانکه گفته شد در صورت اشتباه، عوارض جانبی این تست ها خیلی سنگین خواهد بود.

آخرین نتایج مشاوره های فاقد خدا محوری، خودخواستی و خود خواهی و طالب ادای حقوق شدن، برآورد شده است، که چنین روانشناسان در واقع نقش وکالت را ایفا می کنند و به جای اصلاح، قضاوت کرده و در پی به دست آوردن حقوق خود و مراجعه کننده می باشند، آنها از راه نیاز انسان به مقبولیت وارد می شوند چون انسان ذاتاً تایید طلب است و انتظار و توقع درک شدن از جانب دیگران را دارد (**درک شدن به معنای عمل کردن طرف با خواسته های فرد نیست که امروزه به غلط این معنی در ذهن متبادر می شود**) که برخی افراد گرفتار با این روحیات به دنبال یک گوش شنونده هستند که فقط بگوید وا و هم بشنود و این گفتگوی یک طرفه فرد سبک شود و سپس با تاییدیه و ذی حق شمرده شدن از جانب مشاور بر دردش درمان شود، که این کار به مثال این است که به جای پرداخت و پاس کردن چک یک نفر با تجویز مسکنی به صورت مقطعی درد ذهن و فکر مشوشش آرام کرده می شود اما در حقیقت این کار قطعاً منجر به پاس شدن چک آن فرد نمی گردد؛ لذا آنچه مراجعه کننده به عنوان یک مریض یا طالب مشاوره باید به آن دقت کند، قبل از مراجعه، فهم و درک و تشخیص درد است و دغدغه درمان همیشگی یافتن می باشد و سپس با شناخت و تایید شدن یک متخصص در حوزه روانشناسی، به درمان درد پرداخت نماید.

**نکته آخر** در راستای اهمیت موضوع اینکه: اگر سلامت جسم و زیبایی آن؛ امروزه ارزش بالاتری نسبت به گذشته دارد باید به همان نسبت هم

به سلامت روان خود و خانواده اندیشید و از افراد کارآمد در این حوزه بهره جست. چه بسا موضوعات مختلفی مثلاً مسأله "یارانه" دغدغه و مورد مذاقه و موضوع صحبت در محافل مختلف باشد و حتی سخنرانان هم در قسمتی از مطالبشان به آن پراخت کنند اما مسائل روانی و شناسائی متخصصین و متکفلین شایسته این امور که ریشه بسیاری از موفقیت ها می توانند باشند، از توجه کمتری برخوردار باشد.

**این کلام مقام معظم رهبری است که فرمودند:**

**" واجب است هر خانواده ایرانی یک مشاور روانشناس داشته باشد"**

اما هنوز این فرهنگ سازی نشده است. و فارغ از تمام مباحث توجه به این مورد نیز ضروریست که حوزه فرهنگ و فرهنگ سازی، زمان بر بوده و شاید یک دهه یا بیشتر فرصت لازم باشد تا یک موضوع در جامعه به عنوان فرهنگ قلمداد شده و جا افتاده باشد؛ که راهکارهای مکمل شما مخاطب عزیز در فرهنگ سازی این موضوع تاثیر خواهد داشت.